ادامه از صفحه اول

لزوم تبیین ایدئولوژی سیاسی و دکترین احزاب و نقش آن بر توسعه کشور

در غیاب چنین احزاب مستقر، پایدار و تأمین امنیت‌شده‌ای، از یک طرف و در فقدان حوزه‌های نظری آکادمیک متصل با حوزه عمل اجتماعی- سیاسی از طرف دیگر، جریانات سیاسی و حتی جریانات وابسته به زمینه‌های مد (Fashion) یا شناسنامه بی‌شناسنامه محض فاقد ایدئولوژی سیاسی پایدار و قابل فهم و قابل قضاوت و در زمینه یک به‌هم‌ریختگی و آنارشی اجتماعی و بر پایه شعارهای بی‌پشتوانه و عوام‌گرایانه و هیجانات فصلی و بیشتر بر پایه افراد و شخصیت‌ها و نه بر مبنای فکر و برنامه‌ها وارد کارزار (و نه رقابت سالم و منطقی مدلل) انتخاباتی می‌شوند و طبیعتا آنچه کمترین اهمیت را پیدا می‌کند، مسئول‌بودن در مقابل وعده‌ها (Responsibility) و پاسخ‌گویی (Accountability) بعدی بر مبنای وعده‌ها و شعارهای داده‌شده و انتظارات ایجادشده و اختیار و قدرت حاصل‌شده است؛ چراکه به بسیاری از آن شعارها و وعده‌ها تحقق‌پذیر هستند و اگر هم تحقق‌پذیر باشند، فاقد فلسفه پشتیبان برای ایجاد ارتباط منطقی و معنی‌دار بین همه قسمت‌های این بازار هستند؛ بنابراین به‌همین‌دلیل بسیار پیش می‌آید که بین شعارهای حوزه‌های مختلف نه‌تنها هیچ سنخیت و مناسبت هم‌کارایانه‌ای مشاهده نمی‌شود؛ بلکه تمام یا قسمتی از اجزای آن به صورت کامل واگرا و در تضاد با هم هستند و پدیده‌ای را تهی بعلی ایجاد یک آنارشی حکمروایی و مدیریتی مضاعف که آسیب آن به مراتب بیش از گذشته می‌تواند باشد.

نقش ایدئولوژی سیاسی در ایجاد هم‌گرایی سیاستی

درصورتی‌که اگر حزب یا یک جریان سیاسی (یا احتمالا کمتر و ناپایدارتر) دارای ایدئولوژی سیاسی باشد، اولا می‌تواند تولید سیاست (و نه‌تنها شعار) کند و ثانیا این سیاست‌ها را در چارچوب ایدئولوژی سیاسی خود هم‌گرا کند و به‌همین‌دلیل است که در یک حزب یا ایدئولوژی سیاسی سوسیال‌دموکرات شما می‌توانید پیش‌بینی کنید که چارچوب‌های سیاستی آن مساوات‌طلبی (Egalitarianistic) و موضوع سیاست‌های اجتماعی (مثل فامیل، مسکن و سلامت و رفاه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جرم)، سیاست‌های اقتصادی (مثل سرمایه‌گذاری، مالیات، اشتغال) و سیاست‌های فرهنگی (مثل زنان، تنوع فرهنگی، رسانه، مذهب) و... چگونه خواهد بود و مثلا همه سیاست‌های اجتماعی به طرف ایجاد فرصت‌های برابر (Equal Opportunity) هدف‌گیری خواهند شد و در حوزه آزادی‌های سیاسی نیز بار رویکرد او بین دو سر طیف اتوکراسی و دموکراسی پیش‌بینی و قضاوت می‌شود. مصداقا اینکه این سیاست‌ها دیگر نخواهند توانست یک شبه یا در مدت کوتاهی به خاطر بردن کمپین انتخاتی و صرفا برای افزایش سهم از سبد رأی‌ای عوض شوند یا نقاب و چهره کاذب به صحنه انتخابات وارد شوند.

سه‌گانه تفکیک ناپذیر اختیار، مسئولیت و پاسخ‌گویی

به‌این‌ترتیب مردمی که در انتخابات شرکت می‌کنند، می‌دانند که هر حزبی چگونه فکر می‌کند و سیاست‌های آن در قبال همه بخش‌ها و حوزه‌های زیست سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی نظامی و سیاست‌های داخلی و خارجی آن چگونه است و طبیعتا اختیاری (Authority) که مردم بـا رأی خـود بـه سیاست‌های یک حزب می‌دهند، دولت منتخب او را در مقابل عمل به این سیاست‌ها مسئول (Responsible) می‌کند و دولت باید در مقابل این اختیار و مسئولیت به صورت یکپارچه پاسخ‌گو (Accountable) باشد و پاسخ‌گویی دولت و منطق قضاوت اجتماعی (social judgment) به صورت طبیعی و عقلانی در موازنه و تطبیق عملکردش در عمل به سیاست‌های اعلامی است.

لزوم تفکیک و تفکیک پست‌های سیاسی

حال این شرایط دولت وقتی می‌تواند پاسخ‌گو باشد که بتواند برای عمل به سیاست‌های اعلامی که مورد اعتماد و رأی مردم شده است، با سیاست‌مداران و مدیران ارشدی در دولت استفاده کند که به سیاست‌های اعلامی از طرف حزب باور دارند و فلسفه حامی آنها را می‌فهمند یا خود در طراحی این سیاست‌ها نقش ویژه‌ای ایفا کرده‌اند و این کاملا طبیعی است که دولت منتخب مطابق رأی مردم به سیاست‌ها، در چارچوب ایدئولوژی سیاسی خود و برای راهبرد این سیاست‌ها از کسانی در پست‌های سیاسی خود استفاده کند که عمیقا این ایدئولوژی سیاسی را می‌شناسند و به آن باور دارند و اراده اجرای این سیاست‌ها از عمق خود تلاش می‌کنند و در کلیت حزب حاکم وجود و اجتماع از این سیاست‌ها دفاع می‌کنند و به نیات مثبت و منفی آن پایبند هستند و به پاسخ‌گویی در مقابل مردم و مراجع ذی‌صلاح متعهدند.

تجربیات جهانی

به‌همین‌دلیل در کشورهای دارای نظام مردم‌سالاری مستقر نوشته‌اند تا با دوراندیشی و مبتنی بر تجربه سالیان دراز و تحقیقات محققان، ایدئولوژی سیاسی سوسیال‌دموکرات شما می‌توانید پیش‌بینی کنید که چارچوب‌های سیاستی آن مساوات‌طلبی (Egalitarianistic) و موضوع سیاست‌های اجتماعی (مثل فامیل، مسکن و سلامت و رفاه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جرم)، سیاست‌های اقتصادی (مثل سرمایه‌گذاری، مالیات، اشتغال) و سیاست‌های فرهنگی (مثل زنان، تنوع فرهنگی، رسانه، مذهب) و... چگونه خواهد بود و مثلا همه سیاست‌های اجتماعی به طرف ایجاد فرصت‌های برابر (Equal Opportunity) هدف‌گیری خواهند شد و در حوزه آزادی‌های سیاسی نیز بار رویکرد او بین دو سر طیف اتوکراسی و دموکراسی پیش‌بینی و قضاوت می‌شود. مصداقا اینکه این سیاست‌ها دیگر نخواهند توانست یک شبه یا در مدت کوتاهی به خاطر بردن کمپین انتخاتی و صرفا برای افزایش سهم از سبد رأی‌ای عوض شوند یا نقاب و چهره کاذب به صحنه انتخابات وارد شوند.

سه‌گانه تفکیک ناپذیر اختیار، مسئولیت و پاسخ‌گویی

به‌این‌ترتیب مردمی که در انتخابات شرکت می‌کنند، می‌دانند که هر حزبی چگونه فکر می‌کند و سیاست‌های آن در قبال همه بخش‌ها و حوزه‌های زیست سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی نظامی و سیاست‌های داخلی و خارجی آن چگونه است و طبیعتا اختیاری (Authority) که مردم بـا رأی خـود بـه سیاست‌های یک حزب می‌دهند، دولت منتخب او را در مقابل عمل به این سیاست‌ها مسئول (Responsible) می‌کند و دولت باید در مقابل این اختیار و مسئولیت به صورت یکپارچه پاسخ‌گو (Accountable) باشد و پاسخ‌گویی دولت و منطق قضاوت اجتماعی (social judgment) به صورت طبیعی و عقلانی در موازنه و تطبیق عملکردش در عمل به سیاست‌های اعلامی است.

لزوم تفکیک و تفکیک پست‌های سیاسی

حال این شرایط دولت وقتی می‌تواند پاسخ‌گو باشد که بتواند برای عمل به سیاست‌های اعلامی که مورد اعتماد و رأی مردم شده است، با سیاست‌مداران و مدیران ارشدی در دولت استفاده کند که به سیاست‌های اعلامی از طرف حزب باور دارند و فلسفه حامی آنها را می‌فهمند یا خود در طراحی این سیاست‌ها نقش ویژه‌ای ایفا کرده‌اند و این کاملا طبیعی است که دولت منتخب مطابق رأی مردم به سیاست‌ها، در چارچوب ایدئولوژی سیاسی خود و برای راهبرد این سیاست‌ها از کسانی در پست‌های سیاسی خود استفاده کند که عمیقا این ایدئولوژی سیاسی را می‌شناسند و به آن باور دارند و اراده اجرای این سیاست‌ها از عمق خود تلاش می‌کنند و در کلیت حزب حاکم وجود و اجتماع از این سیاست‌ها دفاع می‌کنند و به نیات مثبت و منفی آن پایبند هستند و به پاسخ‌گویی در مقابل مردم و مراجع ذی‌صلاح متعهدند.

تجربیات جهانی

به‌همین‌دلیل در کشورهای دارای نظام مردم‌سالاری مستقر نوشته‌اند تا با دوراندیشی و مبتنی بر تجربه سالیان دراز و تحقیقات محققان، ایدئولوژی سیاسی سوسیال‌دموکرات شما می‌توانید پیش‌بینی کنید که چارچوب‌های سیاستی آن مساوات‌طلبی (Egalitarianistic) و موضوع سیاست‌های اجتماعی (مثل فامیل، مسکن و سلامت و رفاه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جرم)، سیاست‌های اقتصادی (مثل سرمایه‌گذاری، مالیات، اشتغال) و سیاست‌های فرهنگی (مثل زنان، تنوع فرهنگی، رسانه، مذهب) و... چگونه خواهد بود و مثلا همه سیاست‌های اجتماعی به طرف ایجاد فرصت‌های برابر (Equal Opportunity) هدف‌گیری خواهند شد و در حوزه آزادی‌های سیاسی نیز بار رویکرد او بین دو سر طیف اتوکراسی و دموکراسی پیش‌بینی و قضاوت می‌شود. مصداقا اینکه این سیاست‌ها دیگر نخواهند توانست یک شبه یا در مدت کوتاهی به خاطر بردن کمپین انتخاتی و صرفا برای افزایش سهم از سبد رأی‌ای عوض شوند یا نقاب و چهره کاذب به صحنه انتخابات وارد شوند.

ادامه از صفحه ۱۱

محمدرضا خاتمی در گفت‌وگو با «شرق»

روحانی، دولت آشتی ملی تشکیل دهد

عکس: امیر جدیدی شرق

حامد طیبی

کابینه دوم روحانی، گرایش روشنی به سمت اصلاح طلبی خواهد داشت. گزاره‌ای که این روزها درباره آن در محافل سیاسی و رسانه‌ای، زیاد صحبت می‌شود. اما آیا این مدل مطلوب اصلاح طلبان است؟ پاسخ یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های این جریان به این سؤال، منفی است. محمدرضا خاتمی نه به واسطه نام خانوادگی خود و پیوند با رئیس جمهوری دوران اصلاحات که به واسطه مواضع سوابق و جایگاه حزبی و سیاسی، در دو دهه اخیر از مشهورترین چهره‌های جریان سیاسی متبوع خود به شمار رفته است. او هفته گذشته میهمان «شرق» بود و در گفت‌وگویی تفصیلی، اصلی‌ترین برنامه اصلاح‌طلبان را گفت‌وگو با اصولگرایان برای رسیدن به تفاهم بر سر مشترکات دانست. نایب رئیس مجلس ششم از روحانی هم خواست کابینه‌ای با حضور اصولگرایان تشکیل دهد. گویی تجربیات دوران پرفراز و فرود ۱۶ تا ۹۶، دیر گل پیشین حزب مشارکت را به نقطه‌ای رسانده که تعامل را از بهترین راه‌حل‌ها برای آینده سیاسی ایران بداند.

■ روند اصلاح‌طلبی بعد از انتخابات ۲۹ اردیبهشت به کدام سمت‌وسو خواهد رفت؟ اگرچه در چهار سال اول دولت روحانی، کشایش‌هایی در فضای سیاست داخلی صورت گرفت؛ اما به هر دلیلی، کار سیاسی ماندند گسترش تشکیلات، کنگره، عضوگیری و... به آن معنا رونق نداشت. البته احزابی مانند اتحاد، ندا و... مجوز گرفتند؛ اما در همین ها هم مثل گذشته فعالیت حزبی را شاهد نبودیم. یکی از پایه‌های اصلاح‌طلبی، انسجام، آموزش خواهرانی اصلاحات و تربیت مدیر برای فرصت‌های آینده است و اینها در تحزب معنا می‌یابد. اصلاح‌طلبی جفدر در این وجه پیشرفت داشته است؟

محصول در تحلیل‌ها یا مقایسه‌هایی که صورت می‌گیرد، یک مشکل وجود دارد و آن این است که می‌خواهیم وضعیت فعلی را با سال‌های ۷۶ تا ۸۴ مقایسه کنیم و وقتی با آن مقایسه می‌کنیم، نه فقط در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بلکه در اقتصاد، سیاست خارجی و مسائل امنیتی هم تفاوت بزرگی مشاهده می‌کنیم. در واقع دوران اصلاحات، ما را بد عادت کرده است. آن دوران هشت‌سال را که بخشی از اصلاح‌طلبان در دولت و مجلس حضور داشتند، باید مانند یک تابلو روی دیوار نصب کنیم که بخشی از آن، خاطرات ما و بخشی دیگر، هدفی است که باید دوباره به آن برسیم. وقتی قرار شد وارد انتخابات ۹۲ شویم، هم ما و هم آقای روحانی بر این اعتقاد بودیم که باید هشت سال کار کنیم تا به شرایط قبل از دولت احمدی‌نژاد برگردیم. حالا مشخص شده شاید به زمان بیشتری هم نیاز باشد؛ اما شرایط ما در مقایسه با سال‌های ۸۲ تا ۹۲ تا حدی بهبود یافته است. این نکته را بگویم که در آزمان اصلاح‌طلبی، توسعه سیاسی به یک معنا اولویت دارد. هرچند توسعه باید متوازن و در همه زمینه‌ها انجام شود؛ اما همه ما این باور را داریم که اگر توسعه سیاسی داشته باشیم، می‌توانیم سایر ابزارهای توسعه را نیز دنبال کنیم. ما اصل توسعه را در چارچوب دموکراسی تفسیر می‌کنیم. البته توسعه اقتصادی هم بر توسعه سیاسی اثر دارد؛ اما آنچه پشتوانه توسعه است، دموکراسی است. ما یک حکمرانی خوب داریم که اصل اول آن قانون‌گرایی است. شفافیت، رقابت، مشارکت مردم و اصول دیگری که وجود دارد، به یک معنا همه اینها وجود دارد. تصور می‌کنم؛ یعنی همه دنبال منافع خود هستند. اگر با گروهی دارد مذاکره شویم و به تفاهم‌هایی برسیم که آنها نتوانستند به آن عمل کنند. اصلاح‌طلبان چیزی را از دست نمی‌دهند؛ اما اگر آنها توانستند اثرگذار شوند، با یک قدم به سمت حل‌وفصل منازعات به شکل مسالمت‌آمیز پیش رفته‌ایم. شرایط فعلی ارتباط میان نیروهای سیاسی، به‌هیچ‌وجه مطلوب نیست و حتی به مرحله‌ای خطرناک رسیده است. آنها بعضا به خون هم تشنه هستند. کمترین لقبی که به هم می‌دهند، خیانت، وابستگی، مردم‌فروشی و ایمپلنت. در این شرایط، می‌ارزد وارد یک تجربه جدید شویم که اگر ناموفق هم ماند، اصلاح‌طلبی هیچ چیزی را از دست نداده؛ اما اگر موفق شود، کشور ما یک جهش بزرگ در توسعه سیاسی و رسیدن به بلوغ سیاسی خواهد داشت.

■ برخی از آنها حتی برای نشستن سر میز مذاکره با اصلاح‌طلبان هم زیر فشار هستند. این فضای کفر و ایمانی که ایجاد شده، پیش‌زمینه ذهنی در طرف مقابل ایجاد کرده که هر نوع گفت‌وگویی محکوم به فناست.

ما دو فرصت برای گفت‌وگوهای میان دو جریان اصلی را از دست دادیم؛ یکی دولت اول آقای روحانی و دوم مجلس دهم.

■ فرصت دولت اول روحانی را که شما از دست ندادید. طرف مقابل از دست داد. اصلاح‌طلبان و دولت به هر شکل ممکن از تعامل و حضور هر دو جریان دفاع می‌کنند. از چهره‌های شاخته‌شده اصولگرا هم برای همکاری در دولت دعوت به کار شد و برخی هم وزیر و مسئول شدند. در فرهیخت اصلاح‌طلبان مجلس هم چه در تهران و چه در حوزه‌های انتخابیه، برخی چهره‌های اصولگرا را به‌عنوان سهمیه دولت حضور داشتند. تجربه مدنظر شما حاصل شد؟

این همراهی رنگی به دولت و غیردولت ندارد. اتفاقا بسیار سراغ حوزه‌های اشتراکی برویم. در مسئله اقتصادی، بسیاری از نیروهای جریان اصولگرا با اکثریت قاطع جریان اصلاح‌طلبی، معتقدند وضع اقتصاد کشور مطلوب نیست و راه‌حل‌های مشترکی نیز برای بهبود اوضاع دارند. همه می‌گویند شما در چارچوب نظام کار کنید، قوانین آمره سر جای خود وجود دارد و خط‌مشی‌های کلی هم داریم؛ اما در شیوه‌های توسعه اقتصادی می‌توانیم به راه‌حل مشترک برسیم. همه می‌دانند سرمایه‌گذاری در داخل کشور و خصوصی‌سازی از الزامات توسعه اقتصادی است. اگر هم می‌دانند سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به فضای امن و ارتباطات جهانی بانبات و اطمینان‌بخش نیاز دارد.

■ این جملات بارها از سوی علی لاریجانی هم مطرح شده است؛ اما با وجود اعتقاد او به این مسیر، حتی خود مجلس هم خروجی در حوزه تقنینی نداشته است.

به هر حال، امسوز جریان آقای لاریجانی و نیروهای معتدل و اصلاح‌طلبان در مجلس حضور دارند. پس می‌توانیم بنشینیم و از نظر تقنینی و پژوهشی کارهایی انجام بدهیم. اینکه از هر اقدامی که از نظر پشتوانه سیاست خارجی می‌توانیم آسیب‌زا باشد، اجتناب شود، بله، حتما تندروها مانع خواهند شد و در فلان راهپیمایی یا مناسبت دینی، حرکت‌هایی انجام خواهند داد؛ اما ما هم تاکنون با طیف معتدل جریان اصولگرا، وارد گفت‌وگوی جدی نشده‌ایم. شاید آنها بتوانند روی طیف‌های دیگر هم تأثیر بگذارند. احتمالا اصلاح‌طلبان نمی‌توانند بر سر موضوعاتی مانند محیط علم و دانشگاه، آزادی‌های قانونی، آسیب‌های اجتماعی و رویکردهای فرهنگی به توافق برسند؛ اما بر سر مسائل اقتصادی و سیاست خارجی و امنیت آن می‌توانیم توافق کنیم. یکی از مشکلات ما در جهان، مسئله حقوق بشر است. عمده‌ترین مشکل ما در ایران، آمار اعدام‌هاست که قوه‌به‌قوه‌اتفاق آنها شامل جرائم مواد مخدر و مفاسد اقتصادی کلان است. حالا همه می‌گویند باید تلاش کنیم تا در ایران، اعدام‌ها کم شود. این را جرم‌انگاری کرده است؛ اما ما می‌توانستیم قبل از اینکه این جسر اتفاق بیفتد، با گفت‌وگو مسئله را حل کنیم. امروز هم می‌توانیم به اصولگرایان بگوییم قول دارید برخی مسائل را برخی فعلی به نتیجه نمی‌رسد؛ پاسخ می‌دهند بله؛ می‌گویم در برخی از اینها هر سه قوه همراه هستند. خب مجلس و دولت می‌توانند مانند سایر نهادهای رایزنی قرارگرفتن مسائل اشتراکی در حوزای عمل عمل کنند. اختلافات سیاسی و انتخاباتی بر سر حزب خود؛ اما اشتراکاتی هم وجود دارد که باید روی آن کار کنیم. آقای عارف و اصلاحی در مجمع تشخیص هستند و آقایان باهنر و مرتضی نبوی هم در همان‌جا حاضر هستند؛ آنها می‌توانند این تعاملات را جوان بدهند.

■ اما برخی اصولگرایان حتی به خواست مردم که در چند انتخابات اخیر تبلور یافت، توجه لازم را ندارند.

تجربه سال‌های ۹۴، ۹۲ و ۹۶ نشان داد اگر عزم و اراده ملی وجود داشته باشد، در طرف مقابل هم با آن کنار می‌آیند. ببینید آقای روحانی دوره دوم هم رئیس‌جمهور شد. برخی می‌گفتند تأییدصلاحیت نمی‌شود یا اگر بشود، انتخابات به سمت دیگری می‌رود. امروز مجلس دهم و شورای پنجم شکل گرفته است. این دید بسیار سختگیرانه‌ای که هر کاری بکنیم ظرف مقابل مقاومت می‌کند، درست نیست. در این صورت، سیاست خارجی، مشابه همین آرایش فعلی در اطراف ما وجود داشت؛ تنش‌هایی جدی در افغانستان و عراق بروز کرد؛ اما تفاوت دیدگاه‌ها و روش‌ها باعث نشد اولویت‌های منافع ملی ما از سوی تصمیم‌گیران و جریان‌های سیاسی نادیده گرفته شود. اگر این گفت‌وگوها وجود داشته باشد، وقتی حمله به سفارت عربستان اتفاق افتاد، می‌توانستیم با همه جریان‌های دلسوز جلسه بگذاریم و مسائل را حتما در مقام معظم رهبری و روسای قوا و شورای عالی امنیت ملی مطرح کنیم و همین نمایندگان فعلی و اعضای شورای فعلی هم می‌توانند آغازگر این گفت‌وگوها باشند. قبل از انتخابات اتاق جهانگیری، خدمت مقام معظم رهبری رسیدند و خواستند که رابط اصلاح‌طلبان باشند. آقایان منتجب‌نیا و رهامی هم دیدار داشتند. اتفاق عارف و موسوی‌لاری و آقا سیدهادی خامنه‌ای هم که از نظر اصلاح‌طلبی کاملا شناخته‌شده و مورد اعتماد هستند، می‌توانند چنین دیداری داشته باشند. مشکل این است که ما نخواستیم این ظرفیت‌ها را فعال کنیم. هدف بسار سپهر مدیریت تدریجی آن، مسئله را حل کرد. توقع اصلاح‌طلبان از دولت و مجلس، استفاده از چنین رویکردهایی است.

■ اصلاح‌طلبان حتی در مقطع متفاوت بعد از سال ۸۸ با محوریت شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و کمی بعد هم با شورای مشاوران تلاش کردند هم‌گرایی میان خود را تقویت کنند. چه کارهایی برای انسجام این شورای عالی باید انجام شود تا نهادمند و تصمیمات بهتر حاصل شود و صداهای ناهماهنگ که در شرایط فعلی می‌تواند زمین‌بخش بشد، کمتر شود؟

من این نکته را وجود صداهای مختلف را نمی‌خواهم طرد یا نقد کنم. اساس اصلاح‌طلبی تکثر است و گاهی حتی درگیری‌های درونی‌ای که از دوران مجلس ششم و ریاست‌جمهوری آقای خاتمی و حتی در چهار سال اول آقای احمدی‌نژاد برای بیدارکردن مقصر وجود داشت هم حتما امتیازاتی هم داشته است. اما بعد از ۸۸ جبر زمانه ما را به هم نزدیک‌تر کرد به این صورت که کسانی که واقعا اصلاح‌طلبی را قبول داشتند در صحنه ماندند و برخی هم ترجیح دادند در وسط میدان نباشند و همین مسئله باعث شده این دو جریان از هم تمیز داده شوند. طبیعی است وقتی قضا بار می‌شود که تناقضی که کناره‌گیری کرده بودند دوباره فعال می‌شوند چون مشکل اصلی ما این است که با شورای پنجم شکل گرفته است. این دید بسیار سختگیرانه‌ای که هر کاری بکنیم ظرف مقابل مقاومت می‌کند، درست نیست. در این صورت، اصلاحات معنا ندارد. ممکن است آنها بگویند از نظر ما اصلاح‌طلبی این است و ما هم زیر بار نمی‌رویم و به‌گوییم اصلاح‌طلبی این است. اتفاقا باید دقت شود. وقتی حمله به سفارت عربستان اتفاق افتاد، می‌توانستیم دعوایی هم نداریم که چنین جلسه بگذاریم و مسائل را حتما در مقام معظم رهبری و روسای قوا و شورای عالی امنیت ملی مطرح کنیم و با بررسی عواقب، آن را مدیریت کنیم. اگر قرار باشد هر اتفاقی بیفتد، دستمان را با بیرمیم و بگوییم دست ما نیست؛ پس چرا وارد انتخابات شدیم؟ همه ما معتقدیم تداوم حضر به سود کشور و مردم نیست؛ اما این موضوع نباید به یک شعار در حاشیه سخنرانی‌های انتخاباتی محدود شود. وقتی یک جریان وارد حاکمیت می‌شود، باید به مسائل از زاویه تدبیر نگاه کرد. ما در زمانه رحمر هم باید با ارائه راه‌حل‌های ممکن به مسئولان تصمیم‌گیر و تأکید بر اهمیت استفاده از همه امکانات برای مدیریت تدریجی آن، مسئله را حل کرد. توقع اصلاح‌طلبان از دولت و مجلس، استفاده از چنین رویکردهایی است.

■ اصلاح‌طلبان حتی در مقطع متفاوت بعد از سال ۸۸ با محوریت شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و کمی بعد هم با شورای مشاوران تلاش کردند هم‌گرایی میان خود را تقویت کنند. چه کارهایی برای انسجام این شورای عالی باید انجام شود تا نهادمند و تصمیمات بهتر حاصل شود و صداهای ناهماهنگ که در شرایط فعلی می‌تواند زمین‌بخش بشد، کمتر شود؟

من این نکته را وجود صداهای مختلف را نمی‌خواهم طرد یا نقد کنم. اساس اصلاح‌طلبی تکثر است و گاهی حتی درگیری‌های درونی‌ای که از دوران مجلس ششم و ریاست‌جمهوری آقای خاتمی و حتی در چهار سال اول آقای احمدی‌نژاد برای بیدارکردن مقصر وجود داشت هم حتما امتیازاتی هم داشته است. اما بعد از ۸۸ جبر زمانه ما را به هم نزدیک‌تر کرد به این صورت که کسانی که واقعا اصلاح‌طلبی را قبول داشتند در صحنه ماندند و برخی هم ترجیح دادند در وسط میدان نباشند و همین مسئله باعث شده این دو جریان از هم تمیز داده شوند. طبیعی است وقتی قضا بار می‌شود که تناقضی که کناره‌گیری کرده بودند دوباره فعال می‌شوند چون مشکل اصلی ما این است که با سیاست خارجی، مشابه همین آرایش فعلی در اطراف ما وجود داشت؛ تنش‌هایی جدی در افغانستان و عراق بروز کرد؛ اما تفاوت دیدگاه‌ها و روش‌ها باعث نشد اولویت‌های منافع ملی ما از سوی تصمیم‌گیران و جریان‌های سیاسی نادیده گرفته شود. اگر این گفت‌وگوها وجود داشته باشد، وقتی حمله به سفارت عربستان اتفاق افتاد، می‌توانستیم دعوایی هم نداریم که چنین جلسه بگذاریم و مسائل را حتما در مقام معظم رهبری و روسای قوا و شورای عالی امنیت ملی مطرح کنیم و با بررسی عواقب، آن را مدیریت کنیم. اگر قرار باشد هر اتفاقی بیفتد، دستمان را با بیرمیم و بگوییم دست ما نیست؛ پس چرا وارد انتخابات شدیم؟ همه ما معتقدیم تداوم حضر به سود کشور و مردم نیست؛ اما این موضوع نباید به یک شعار در حاشیه سخنرانی‌های انتخاباتی محدود شود. وقتی یک جریان وارد حاکمیت می‌شود، باید به مسائل از زاویه تدبیر نگاه کرد. ما در زمانه رحمر هم باید با ارائه راه‌حل‌های ممکن به مسئولان تصمیم‌گیر و تأکید بر اهمیت استفاده از همه امکانات برای مدیریت تدریجی آن، مسئله را حل کرد. توقع اصلاح‌طلبان از دولت و مجلس، استفاده از چنین رویکردهایی است.

■ داس‌زدن به مطالبات جامعه از اصلاح‌طلبان حاضر در مجلس و شوراها و دولت و ایجاد فضایی که در سال‌های ۸۲ و ۸۳ ایجاد شد و نوعی سرخوردگی از تحقق‌نیافتن مطالبات را در پی داشت، از اهداف جریان مقابل است. جفدر می‌توانم مانع این اتفاق شد؟

مطالبات در سه سطح قابل طبقه‌بندی است: نخست مطالبات سیاسی که کاملا واقع‌گرایانه شده است. درست است که در مبتنی‌های انتخاباتی ساحتی گفته می‌شود اما من با چوانان حدود ۲۰ سال که صحبت می‌کنم هیچکس را ندیده‌ام که ملاک ارزیابی و موفقیت دولت و جریان اصلاح‌طلبی را تحقق رفع حجر بداند. همه می‌دانند امکانات شدیم؟ همه ما معتقدیم تداوم حضر به سود کشور و مردم نیست؛ اما این موضوع نباید به یک شعار در حاشیه سخنرانی‌های انتخاباتی محدود شود. وقتی یک جریان وارد حاکمیت می‌شود، باید به مسائل از زاویه تدبیر نگاه کرد. ما در زمانه رحمر هم باید با ارائه راه‌حل‌های ممکن به مسئولان تصمیم‌گیر و تأکید بر اهمیت استفاده از همه امکانات برای مدیریت تدریجی آن، مسئله را حل کرد. توقع اصلاح‌طلبان از دولت و مجلس، استفاده از چنین رویکردهایی است.

■ داس‌زدن به مطالبات جامعه از اصلاح‌طلبان حاضر در مجلس و شوراها و دولت و ایجاد فضایی که در سال‌های ۸۲ و ۸۳ ایجاد شد و نوعی سرخوردگی از تحقق‌نیافتن مطالبات را در پی داشت، از اهداف جریان مقابل است. جفدر می‌توانم مانع این اتفاق شد؟

با توجه به فشارهای کم‌سابقه اخیر به رئیس‌جمهور منتخب دور دوم، کار برای این نوع تعاملات سخت‌تر نشده است؟

درست است؛ اما آقای روحانی خارج از فضاهای بیرونی، در درون به این مسائل توجه می‌کند و چه در ارتباط با ارکان حاکمیت و چه پاسخ‌گویی به مجلس و مردم، ملاحظات لازم را دارد.

■ گفتید دولت، یکی از فرصت‌های موجود برای گفت‌وگوهای ملی و تمرین همکاری است. فکر می‌کنید جفدر در این چهار سال، چنین فضایی فراهم شود؟

ما توقع داریم دولت بتواند بدون تنش کار کند. این یعنی باید آن حساسیت‌ها که وزیری از اصلاح‌طلبان خارج از قضاهای بیرونی، در درون به این مسائل توجه می‌کند و چه در ارتباط با ارکان حاکمیت و چه پاسخ‌گویی به مجلس و مردم، ملاحظات لازم را دارد.

■ گفتید دولت، یکی از فرصت‌های موجود برای گفت‌وگوهای ملی و تمرین همکاری است. فکر می‌کنید جفدر در این چهار سال، چنین فضایی فراهم شود.

ما توقع داریم دولت بتواند بدون تنش کار کند. این یعنی باید آن حساسیت‌ها که وزیری از اصلاح‌طلبان خارج از قضاهای بیرونی، در درون به این مسائل توجه می‌کند و چه در ارتباط با ارکان حاکمیت و چه پاسخ‌گویی به مجلس و مردم، ملاحظات لازم را دارد. جفدر زیباست که وزیری از اصلاح‌طلبان نباشد. اما مجری توسعه سیاسی کشور باشد. این باعث می‌شود اعتماد به یکدیگر افزایش پیدا کند و در دوره اتفاقی آشتی ملی همه احساس کنند دولت متعلق به آنهاست. در دوره بحرانی پیش‌روی ما، تنها امیدی که می‌توان داشت، ایجاد چنین رابطه‌ای میان نیروهای درون کشور است.

■ با توجه به رأی مردم در انتخابات ۹۶ و ۹۲ نشان داد اگر عزم و اراده ملی وجود داشته باشد، در طرف مقابل هم با آن کنار می‌آیند. ببینید آقای روحانی دوره دوم هم رئیس‌جمهور شد. برخی می‌گفتند تأییدصلاحیت نمی‌شود یا اگر بشود، انتخابات به سمت دیگری می‌رود. امروز مجلس دهم و شورای پنجم شکل گرفته است. این دید بسیار سختگیرانه‌ای که هر کاری بکنیم ظرف مقابل مقاومت می‌کند، درست نیست. در این صورت، سیاست خارجی، مشابه همین آرایش فعلی در اطراف ما وجود داشت؛ تنش‌هایی جدی در افغانستان و عراق بروز کرد؛ اما تفاوت دیدگاه‌ها و روش‌ها باعث نشد اولویت‌های منافع ملی ما از سوی تصمیم‌گیران و جریان‌های سیاسی نادیده گرفته شود. اگر این گفت‌وگوها وجود داشته باشد، وقتی حمله به سفارت عربستان اتفاق افتاد، می‌توانستیم دعوایی هم نداریم که چنین جلسه بگذاریم و مسائل را حتما در مقام معظم رهبری و روسای قوا و شورای عالی امنیت ملی مطرح کنیم و با بررسی عواقب، آن را مدیریت کنیم. اگر قرار باشد هر اتفاقی بیفتد، دستمان را با بیرمیم و بگوییم دست ما نیست؛ پس چرا وارد انتخابات شدیم؟ همه ما معتقدیم تداوم حضر به سود کشور و مردم نیست؛ اما این موضوع نباید به یک شعار در حاشیه سخنرانی‌های انتخاباتی محدود شود. وقتی یک جریان وارد حاکمیت می‌شود، باید به مسائل از زاویه تدبیر نگاه کرد. ما در زمانه رحمر هم باید با ارائه راه‌حل‌های ممکن به مسئولان تصمیم‌گیر و تأکید بر اهمیت استفاده از همه امکانات برای مدیریت تدریجی آن، مسئله را حل کرد. توقع اصلاح‌طلبان از دولت و مجلس، استفاده از چنین رویکردهایی است.

■ جمع بین این دو موضوع در عین حفظ وجوب و چرایی‌ها، گفت‌وگو صورت بگیرد. بسیار دشوار است. ممکن است بدنه حامی اصلاحات، از آن تعبیر به نوعی تعریض رویه بکند.

سیاست‌ورزی به همین سختی است. اینکه من در سخنرانی خود حرف‌های تند بزنم، شاید باعث شود بسیاری به‌به و چه‌چه بکنند؛ اما آیا این لزوما به سود کشور و مردم هم هست؟ ما حاکمیت و جناح‌های درون و بیرون آن را به رسمیت شناختیم. پس باید به سمت حل مسائل برویم. اتفاقا من با بدنه جریان اصلاحات خیلی صحبت می‌کنم. مقام معظم رهبری هم مسئله باعث شده این دو جریان از هم تمیز داده شوند. طبیعی است وقتی قضا بار می‌شود که تناقضی که کناره‌گیری کرده بودند دوباره فعال می‌شوند چون مشکل اصلی ما این است که با

■ داس‌زدن به مطالبات جامعه از اصلاح‌طلبان حاضر در مجلس و شوراها و دولت و ایجاد فضایی که در سال‌های ۸۲ و ۸۳ ایجاد شد و نوعی سرخوردگی از تحقق‌نیافتن مطالبات را در پی داشت، از اهداف جریان مقابل است. جفدر می‌توانم مانع این اتفاق شد؟

مطالبات در سه سطح قابل طبقه‌بندی است: نخست مطالبات سیاسی که کاملا واقع‌گرایانه شده است. درست است که در مبتنی‌های انتخاباتی سا